

## از جزئیات نگری تا نظام‌سازی

نظامی که منفعلانه نشسته است و از چپ و راست و پایین و بالا بر سرش مسئله می‌ریزد، جز انفعال کاری از دستش ساخته نیست. آن وقت است که روی نظام‌های اقتصادی، از چپ تا راست، در شرایط مختلف، مهر مشروعیت زده می‌شود! چون در تطبیق بندبند آن‌ها با کتاب و سنت، منافاتی دیده نمی‌شود؛ اما این نگاه جز نگرانه، نگاه نظام‌سازانه نیست. کسی که در درس خارج فقه، جدا از عقاید، اخلاق، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، قرآن و سنت، جزء به جزء روی عبارات متنه می‌گذارد و بحث می‌کند، قادر به نظام‌سازی دینی نخواهد بود.

## سیاست‌های زادوولد؛ نمونه‌ای از فقه منفعل

در همین مسئله زادوولد، سه رویکرد متفاوت در سه دوره نظام دینی وجود داشت و هر سه این‌ها هم اسلامی و در عین حال منفعلانه است! زمانی روایت‌هایی می‌خواندیم که تا می‌توانید بچه بیآورید. بعد که جمعیت افزایش یافت و مشکلات زیادی ایجاد شد، روایت‌هایی خواندیم که بچه نیاورید! الآن هم که نسل‌مان در حال پیر شدن است، قرار است دوباره روایاتی را بخوانیم که بچه بیآورید! این وسط عقل کجا رفت؟ عقلانیت نظام‌سازی کجاست؟ هم روایت داریم از پیامبر که «اللهم انی اعوذ بک من العیله» پناه به خدا از خانواده پرجمعیت؛ از آن طرف هم روایاتی داریم که تا می‌توانید زادوولد داشته باشید و جامعه اسلامی باید پرجمعیت باشد. هر دو هست؛ ولی وقتی عقلانیت اسلامی نباشد، نمی‌دانیم که این‌ها برای کجاست؟ هر زمانی به یک دسته استناد می‌کنیم و دسته دیگر لاپوشانی می‌شود! در حالی که واقعا تعارضی وجود ندارد و حل تعارض و علاج تراجم، به عقلانیت اسلامی نیاز دارد.

## خارج فقه حکومت نداریم

امروز در قم و مشهد، چه رسد به نجف و جاهای دیگر، تا جایی که ما خبر داریم، حتی یک درس خارج فقه حکومتی وجود ندارد. البته درسی که از ابتدائات گذشته باشد؛ نه این که دوباره بخواهند ولایت‌فقیه را اثبات کنند! سی سال است که ولایت‌فقیه را اثبات کرده و فهمیده‌ایم؛ برای این که ببینیم چگونه باید این فقه را در ابعاد مختلف اعمال کنیم، چه درس

خارجی وجود دارد؟ تا جایی که بنده خبر دارم، سه چهار تا درس هستند که در مظلومیت و تنهایی وارد برخی مسائل می‌شوند. علت این است که چون نهادسازی نشده، این کرسی‌ها وجود ندارد؛ چیزی به نام نهاد فکری ایجاد نکرده‌ایم و هر کسی جداگانه خودش حرف می‌زند.

## نهج‌البلاغه‌ای که فقهی نیست!

یک درس خارج فقه نداریم که ماده‌اش، فرمان امیرمؤمنان به مالک‌اشتر باشد. زمانی در قم بحثی داشتیم که یکی از آقایان فرمودند: «مگر عهدنامه مالک‌اشتر هم فقه است! نهج‌البلاغه که همه‌اش توصیف است!» این آقای

که دارد درس خارج می‌دهد، یک بار نهج‌البلاغه را نخوانده است! فکر می‌کند فرمان مالک‌اشتر توصیف هوای مصر است! این گونه است که حقوق اساسی و فلسفه سیاست و حکومت هیچ می‌شود! آخرش هم فرمودند که کل نهج‌البلاغه مرسله است و از بیخ همه‌اش رازدند!

## موتورهای خاموش حوزه و دانشگاه

تنها راه خروج از اضطرارهای تحمیلی این است که موتور عقلانیت اسلامی و نظام‌سازی روشن شود. موتور حوزه و دانشگاه ما در عرصه نظام‌سازی خاموش است. در عرصه مدرک دادن و فارغ‌التحصیل درست

مشخصه فقه منفعل این است که منتظر می‌ماند تا افراد دیگری تمدن‌سازی کنند و بعد بیایند و مسئله شرعی‌اش را بپرسند؛ بگویند ما می‌خواهیم در عرصه بانک، نظام سیاسی، اقتصادی، تحزب، زادوولد و غیره، به فلان طرح و نسخه وارداتی عمل کنیم؛ آیا جایز است یا خیر؟

## گام اول؛ پاسخ به چند سؤال مبنایی

تا زمانی که در خصوص مسائل فقه سنتی نیندیشیم و آن‌ها را به نظام‌سازی گره نزنیم، این مشکلات را خواهیم داشت؛ یعنی چهل سال بعد هم که بحث فقه حکومتی کنیم، آن را در اصل ولایت‌فقیه محدود می‌کنیم! قبل از هر چیز باید با بحث‌های مفصلی در فلسفه فقه، به سؤالات مبنایی در فقه و اصول پاسخ دهیم:

## معیار احکام امضایی و تأسیسی

معیار تأسیس یا تنفیذ معاملات و احکام اجتماعی صدر اسلام چه بود؟ شارع مقدس، بخشی از مناسبات حقوقی، اقتصادی، سیاسی و خانوادگی را در جامعه جاهلیت تعطیل نکرد؛ بلکه تنفیذشان کرد. از طرف دیگر پیامبر (ص) بعضی نهادهای حقیقی و حقوقی را تعطیل و نهادهایی را هم تأسیس کردند. سه چهار نظر مشهور در این باره هست، اما تضارب آرایبی شکل نگرفته است.

## حکم واقعی، حکم ظاهری و فحص اجتهدی

معیار تقسیم احکام به واقعی و ظاهری در فقه حکومتی چیست؟ دایره فحص ادله اجتهدی در عرصه نظام‌سازی اجتماعی چقدر است؟ چه زمانی روی حکم‌الله واقعی مهر مجهول بزنیم و به سراغ ادله فقه‌ای و اصول عملی برویم؟ خیلی‌ها در احکام الهی اهل

فحص نیستند، اهل یأسند! در احکام عبادی و طهارت و نجاست و دماء ثلاثه هزار سال کار کرده‌اند؛ اما در مباحث نظام‌سازی زود خسته و بدون دیدن همه آیات و روایات، مأیوس می‌شوند. چرا و چه وقت می‌توان مأیوس شد و از ادله اجتهدی عبور کرد؟

## اصول عملی و خطر پراگماتیسم و سکولاریسم

چگونه به بهانه حکم ظاهری و اصل عملی، به دام پراگماتیسم و سکولاریسم نیفتیم؟ این که مجال نرسیدن به حکم واقعی باز است و محطه هستیم، اصلی بسیار مترقی در اصول فقه ماست. اگر راه وصول به حقیقت از طریق نص شرعی بسته شد، راه عقل‌ورزی باز است؛ اما عقل‌ورزی‌ای که مبادی و غایات دینی داشته باشد.

## کدام اصل عملی؟

در عرصه نظام‌سازی چه زمانی و به کدام اصل عملی می‌توان رجوع کرد؟ آن‌ها که مقدس‌ترند به سراغ اصل احتیاط می‌روند و آن‌ها هم که مترقی‌ترند، اصله البرائت را جاری می‌کنند. در نظام‌سازی دینی، رجوع به اصل احتیاط یعنی نابودی دین و تسریع در سکولاریزه کردن جامعه. وقتی از ترس ارتکاب نامشروع، تفریحات مشروع را تعطیل کردید،

کردن، چهارموتوره کار می‌کنند! اما در عرصه نظام‌سازی، که مسئولیت مشخص آن‌هاست، این موتور پراکنده و منفعلانه کار می‌کند. حوزه‌های ما به‌طور مشخص چه پایان‌نامه‌هایی را در عرصه نظام‌سازی تولید می‌کنند؟ به این ترتیب، فرم خودش را بر محتوا تحمیل می‌کند؛ سوار اسبی شده‌ایم که خودش هرجا دلش می‌خواهد می‌رود! حالا کی به مقصد می‌رسیم؟ و اصلا به کدام سمت می‌رویم؟!

## «نه؛ به شالوده‌شکنی و تحجر»

یک عده ساختارشکنی می‌کنند و یک‌باره تحت عنوان نواندیشی، مسلمانات قرآنی را زیر سؤال می‌برند؛ عده‌ای هم نشسته‌اند تا مسائل یکی‌یکی مطرح شود و معمولا دایره تحقیقشان هم فراتر از چندصد آیه و روایت نیست. برخی با معیارهای حوزوی، مجتهد مسلم هستند؛ ولی از بسیاری ضوابط آیات و روایات خبر ندارند و در جریان نیستند؛ چون برنامه و پروژه سراغ قرآن نرفتند.

عملا تفریحات نامشروع را در جامعه گسترش می‌دهید. برائت بدون تأمل و تتبع هم که به آسانی و سریع اجرا می‌شود، مصیبت دیگری ایجاد می‌کند. با این نوع برائت می‌توانید هر نوع نظامی را بسازید و اسمش را هم بگذارید نظام دینی! به کدام حق و حجت، برائت را جاری می‌کنیم؟

## معیار احکام اولیه و ثانویه در امور اجتماعی

در عرصه اجتماعی چه اموری عادی و چه اموری استثنایی است؟ حکم واقعی اولیه در حالت عادی و با توجه به مصالح و مفاسد واقعی صادر می‌شود؛ اما حکم ثانوی در حالت استثنائی، اضطرار، عسرورج، تقیه و مرض اتفاق می‌افتد. اما در عرصه اجتماعی، اضطرار جمعی چگونه احراز می‌شود؟ یعنی چگونه یک جامعه به امری مضطر می‌شود تا جایی برای حکم ثانویه باز شود؟ آیا هر چیزی که به عنوان اولی حلال است، به عنوان ثانوی هم حلال است؟

## ملاک امارات حکمی و موضوعی در فقه حکومتی

در عرصه فقه حکومتی، کاشفیت نوعی، در امارات حکمی و موضوعی چه ملاکی دارد؟ در عرصه فقه عبادی معلوم است؛ هزاران سال است کار شده و بسیار هم پیشرفته و عالی